



## «بیشتر سربازان عراقی مسلمان‌های غیر متعصبی هستند که با هم کیشان ایرانی خود احساس هم‌دلی آیینی و سیاسی دارند و به بهانه‌های مختلف جبهه‌ی جنگ را ترک می‌کنند.»

روزنامه‌ی گاردین، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۱

است. شاید همه‌ی ادعاهای طرفین قابل اعتنا نباشد، اما تردیدی نیست که ارتش عراق این روزها متحمل شکست‌های سنگینی شده است. دورنمای پیروزی بر رژیم صدام حسین باعث ایجاد سرور و شادمانی در تهران و عامل بی‌قراری بقیه‌ی منطقه است. آیت‌الله خمینی چطور توانسته این‌طور متهورانه (و البته پیرومندانه) علیه عراق بایستد؟ پیروزی ایران برای آینده‌ی بغداد چه تبعاتی دارد؟ تفوق ایران در جنگ دلایل زیادی دارد و یکی از مهم‌ترین آن‌ها این است که استراتژی نظامی ایران از عراق بهتر است.

فرماندهان ایرانی قوای خود را در مقابل خط دفاع عراق که در دشت‌های خوزستان پراکنده شده‌اند، متمرکز کرده‌اند. این در حالی است که عراق فقط چند یورش پراکنده به موقعیت‌های ایران داشته است. نیروهای ایران باصلا‌ب‌تر از عراق ظاهر شده‌اند، چه به خاطر عشق به شهادت و چه به واسطه‌ی رشادت انقلابی در آزادسازی سرزمین‌شان.

### ✕ نقص روایت عراقی

سخنان صدام از آغاز جنگ به تدریج به حدی متناقض شده بود که توجیه آن ممکن نبود. مک‌کلان در ادامه‌ی مقاله‌اش به این موضوع اشاره دارد: «روحیه‌ی عراقی‌ها از شروع جنگ ایران در سپتامبر ۱۹۸۰ تحلیل رفته است. بیشتر سربازان عراقی انگیزه‌ای برای جنگیدن در رکاب حاکمیتی که چندان دوستش نداشته‌اند، ندارند. توجیهات حاکمیت در راه‌اندازی جنگ هر بار تغییر کرده و باعث سردرگمی عمومی شده است. باور همگان بر این است که تنها توجیه جنگ، نفرت صدام حسین از نظام ایران است.»

حالا روایت صدام که جنگ را جنگ ایران و عرب معرفی می‌کرد سودی برایش نداشت. کیث مک‌کلان با اشاره به این موضوع می‌نویسد: «شکست‌های پی‌درپی برای عراق گران تمام شده و به‌نظر نمی‌رسد راه‌های برون‌رفت آسانی برای این موضوع وجود داشته باشد. سایر ملل عرب به غیر از اردن هم به‌طور حساب‌شده‌ای به جنگ بی‌علاقگی نشان داده‌اند. دولت‌های عربی منطقه‌ی خلیج فارس موافقت کرده‌اند که منابع مالی بیشتری در اختیار عراق قرار دهند، اما در واقع فاقد چنان منابعی هستند که آن‌ها

محاصره‌ی سپاه، تمام نیروهای آن را به اسارت درآورد.

۳- در این صورت یگان‌های مستقر در خرمشهر نیز محاصره شده و به اسارت در می‌آیند و شهر بدون هیچ درگیری آزاد می‌شود.»

در توضیحات این فرمانده عراقی اهمیت حفظ خرمشهر برای صدام به خوبی آشکار است؛ «تنها هدف فرماندهی نیروهای مسلح عراق، حفظ و نگهداری خرمشهر به هر قیمتی بود، به طوری که در این مورد رهنمودهایی از شخص صدام صادر شد و او معاون خود عزت ابراهیم‌الدوری و بعضی از اعضای فرماندهی کشوری را برای بررسی وضعیت نبرد آینده‌ی خرمشهر به سپاه سوم اعزام کرد که چون امکان محاصره‌ی نیروهای عراقی در داخل خرمشهر وجود داشت، بهترین روش، مقابله با وضعیت موجود تشخیص داده شد و هیچ‌کس هم جرأت دادن پیشنهاد عقب کشیدن نیروها در شهر را نداشت.»

### ✕ نگاهی دوباره به عراق

پیروزی‌های ایران چنان پی‌درپی و سریع اتفاق افتاده بود که ناظران خارجی را نیز شگفت‌زده کرد. تحلیل‌گران خارجی در جستجوی رمز و راز این پیروزی بودند و بسیاری از آن‌ها تلاش می‌کردند تا دریابند چه مشکلی در ارتش صدام وجود دارد که این چنین حقیرانه شکست را پذیرفته است. کیث مک‌کلان، رئیس مرکز خاورمیانه‌ی دانشکده مطالعات شرق و آفریقا در لندن، در مقاله‌ای در لس‌آنجلس تایمز که روزنامه‌ی The Gazette نیز آن را نشر داده بود، در تاریخ ۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۱ نوشت: «جنگ ۱۹ ماهه‌ی ایران و عراق به مرحله‌ای تعیین‌کننده رسیده

① صدام در حال رصد عملیات

### ✕ عملیات بزرگ

با وجود تمام تدارک‌ها و پیش‌بینی‌های ارتش صدام، عملیات آزادسازی خرمشهر در ۱۰ اردیبهشت آغاز شد و در مراحل سخت، پیروزی‌های بزرگی را رقم زد. در این عملیات عراقی‌ها بسیار متفاوت از چند عملیات قبل و سرسختانه دفاع کردند و این نشان می‌داد تلاش‌های جبهه‌ی عراق موفق بوده است اما به اندازه‌ای نبود که از پیروزی ایرانی‌ها جلوگیری کند. یکی از فرماندهان اسیر عراقی در عملیات بیت‌المقدس، برای ایرانی‌ها توضیحاتی داد که نشان می‌داد فرماندهان بعثی به تدریج شناخت خوبی از طراحی‌های ایران به دست آورده‌اند. او گفت: «فرمانده کل نیروهای مسلح و سپاه سوم، بلافاصله به تجزیه و تحلیل اهداف عملیات ایرانی‌ها پرداختند و به توافق رسیدند که:

۱- هدف اول آن‌ها عبور از کارون و رسیدن به جاده‌ی اهواز-خرمشهر است که هم‌زمان می‌خواهند به شکستن مواضع لشکرهای ۵ و ۶ اقدام کنند و سپس به سوی جفیر و پل نشوه پیشروی نمایند.

۲- ستونی که موفق به عبور از کارون شده می‌خواهد به سمت شلمچه و پل‌های شط‌العرب پیشروی کند و پس از

② عزت ابراهیم‌الدوری. از نظری سیاسی نظامی نفر دوم پس از صدام محسوب می‌شد و معاون او. سیاستمدار بود و نظامی.

## «تا وقتی [آیت‌الله] خمینی در قدرت باشد، خواسته‌اش [تنها] سر صدام حسین خواهد بود.»

یک مقام وزارت خارجه‌ی آمریکا  
۱۲ اردیبهشت ۱۳۶۱



سفرهای ناخوانده